

با سرکوبی رده، عسبان قبایل عرب در برابر خلافت فروکش کرده بود، ولی افراد این قبایل همچنان ناراضی و خشمگین مانده بودند. بیابان نشینان بدوی میخواستند مانند گذشته آزادانه در صحرای پهناور و بی در و پیکر خود رفت و آمد کنند و اندیشه اطاعت از حکومت مدینه و بخصوص پرداخت مالیات بدین حکومت مورد نفرتشان بود. آنچه اینان را با خلافت مربوط نگاه میداشت ترس از قدرت نظامی آن بود. پاسخ این سوال که آیا ایمان اسلامی و ارزشهای آن میتوانند وزنه متقابلی در برابر این ناراضیها بشمر آیند چندان امید بخش نبود، زیرا مسلم بود که گرایش مذهبی سست این بادیه نشینان در کوتاه زمانی از میان خواهد رفت و زور و ترس نیز مدت زیادی نخواهند توانست این قبایل پراکنده شبه جزیره عربستان را که تا آن زمان پیوسته جدا از یکدیگر پیوند دهند.

عربستان فقیر جنوبی نسبت به شمال ثروتمند حسادت میورزید. بدویان بیابانگرد از شهرنشینان متنفر بودند. هر قبیله ای با دیگر قبایل همسایه خود سابقه رقابت ها و دشمنی های دیرینه ای را داشت که در گذشته همواره با قانون خون و قصاص حل و فصل میشد، و با پا گرفتن اسلام حسادتها و خصومتها متقابل مکه با عربهای جنوبی ساکن آن و مدینه با عربهای شمالی بر این همه افزوده بود. حتی در خود دارالایمان مدینه قبیله اوس با قبیله خزرج و هر دوی آنها با انصار ناسازگاری داشتند. در همه احوال، تنها قدرتی که یک بدوی میتواندست - و آنهم تا حد محدودی - وجود آنرا بر بالای سر خود بپذیرد قدرت رئیس قبیله خودش بود. برای او آزادی مرادف با زندگی بود و در عوض هیچ چیز برایش تحمل ناپذیر از فرمانبرداری از یک قدرت مرکزی نبود. در چنین شرایطی مسلم بود که اگر هیچ عامل برونی تازه ای پا به میدان نگذارد، این بدویان سرکوب شده خیلی زود یوغ اسلام را بدور خواهند افکند و عربستان به وضع پیشین خود زود باز خواهد گشت.

از خوشبختی اسلام، کوتاه مدتی پس از پایان جنگهای رده این عامل برونی بصورت درونمای فکری تازه ای سراسر عربستان متحد شده را تکان داد و بدان نیروی ناشناخته ای بخشید، زیرا نخست در کلبه و سپس در سوریه برخورد قبایل برونمرزی عرب با نیروهای مرزی ایران و بیزانس نخستین جرقه های یک جنگ را برافروخت، و مقدمه ای بر این شد که سراسر عربستان، اعم از شهرنشینان و بدویان آن با حبشی یکپارچه و با انگیزه مشترک غارت و غنیمت، منتها این بار بنام اسلام، بجانب ثروتهای بیحساب دو امپراتوری بزرگ ایران و روم سرازیر شوند.

.... این جنگهای برونمرزی در مراحل نخستین درست توسط همان بدویانی انجام گرفت که تا چندی پیش از آن جنگجویان اصلی «رده» ضد اسلامی بودند. در آغاز، دستگاه خلافت امتیازی برای مسلمانان دست اول قائل شد، ولی بعدا همه رزمندگان را، با آنکه هنوز کسانی از آنها اصولا مسلمان نبودند - از لحاظ برخورداری از غنایم یکسان دانست - بدین ترتیب بود که موجی از پس موجی دیگر از نفرات قبایل همراه با زنان و فرزندانشان سرزمین های آبا و اجدادی خود را برای شرکت در جنگها ترک گفتند و در اشتیاق غنیمت گیری به سوی شرق و غرب سرازیر شدند.

بن مایه : پس از هزار و چهارصد سال - دکتر شجاعالدین شفا

گردآورنده:

شاهین کاویانی



<http://derafsh-kavivani.com/books/>